



نو شدن
و میراث فرهنگی
اسماعیل خلیلی

۱۴



همراه همیشگی
ایلات و عشایر
احمد محمدپور

۱۴



در خانه اگر کس است
یک حرف بس است؟
پیام برازجانی

۱۵



درب به درب
صحرا به صحرا
گفت‌وگو با ایرج میلانی

۱۶



سال پنجم ■ شماره ۱۰۸۸ ■ یکشنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۹

گفت‌وگو با استاد امان‌اللهی‌بهاروند انسان‌شناس و ایران‌شناس شهیر ایرانی

شناخت فرهنگ اقوام پیش‌نیاز شناخت فرهنگ ایران



پیمان موسوی
pejman.mousavi@gmail.com

– جناب استاد امان‌اللهی بهاروند، جامعه ایران جامعه پیچیده‌ای است و با مسائل و معضلات متفاوتی روبرو. در این میان بسیاری از مسائل به دلایلی خاص مورد توجه بیشتری از سوی استادان و پژوهشگران مختلف قرار می‌گیرد و برخی مسائل کمتر، جنابعالی از جمله استادانی هستید که راهی متفاوت با بسیاری از پژوهشگران را طی کرده‌اید و دغدغه‌هایی خاص داشته‌اید. برای آغاز گفت‌وگو از دوران کودکی و محیط خانوادگی خود برایمان بگویید.

در فروردین‌ماه ۱۳۱۷ در لرستان به دنیا آمدم دوران کودکی و جوانویی را در دامن طبیعت و در جامعه‌ای که هنوز دچار تغییر و تحول نشده بود و روابط انسانی پرتنگ‌تر بود گذراندم. بیشتر مردم لرستان در آن زمان از طریق کشاورزی و دلمداری امرار معاش می‌کردند. خانواده ما که از ریش‌سفیدان قبیله بودند، پس از زندانی شدن پدر بزرگم که در زندان قصر تهران به دستور رضاشاه و دبیسسه سپهبد احمدی صورت گرفت، بیشتر اراضی خود را از دست دادند اما با این حال، با در نظر گرفتن وضعیت لرستان در آن زمان می‌توان همچنان گفت که ما زندگی مرفهی داشتیم.

– از مراحل مختلف تحصیل خود بگویید، از دبستان و دبیرستان تا تحصیلات دانشگاهی. چگونه شد که تصمیم گرفتید برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروید؟ آیا دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی منجر به علاقه‌وافر شما در حوزه جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی شد یا اینکه انگیزه‌های دیگری منجر به گرایش شما به این سمت شد؟

تحصیلات ابتدایی، دبیرستان و دانشسرای مقدماتی را در لرستان گذراندم. متأسفانه در آن زمان امکانات و کیفیت آموزش در لرستان بسیار نامناسب بود و هنوز دانشگاه وجود نداشت و تعداد دبیرستان‌ها هم اندک بود. اما نکته قابل اهمیت آن بود که از بدو ورود به دبیرستان قسمت زیادی از وقتم را صرف آموختن زبان انگلیسی کردم، زیرا به این واقعیت پی برده بودم که زبان انگلیسی عامل یا کلید دستیابی به علوم و پیشرفت در زمینه‌های مختلف بود. پیشرفت من در آموختن زبان انگلیسی به حدی بود که در سال سوم دبیرستان توانستم در تعطیلات تابستانی به عنوان مترجم در یک شرکت امریکایی که تلمبه‌خانه نفت چنار در نزدیکی خرم‌آباد را می‌ساخت مشغول کار شوم. چنین فرصتی نه‌تنها موجب تقویت و پیشرفت زبان انگلیسی شد، بلکه توانستم اطلاعات لازم را درباره ادامه تحصیل و زندگی در امریکا کسب کنم. پس از گذراندن دوره آموزش در دبیرستان و دانشسرای مقدماتی در سال ۱۳۲۹، چندسالی را در دبیرستان‌ها و دبستان‌های لرستان تدریس کردم و هم‌زمان زمینه سفر به امریکا را تدارک می‌دیدم. در آن زمان تصور سبغرم به امریکا برای بسیاری از مردم لرستان شواور بود اما برای من یک خواسته قطعی به شمار می‌آمد. به یاد دارم که یکی از مستشاران امریکایی که اولین بار با من صحبت می‌کردم از من پرسید زبان انگلیسی را در کجا یاد گرفته‌ام؟ گفتم در همین شهر خرم‌آباد. سپس پرسید در دانشگاه؟ گفتم خیر هنوز دانشگاهی وجود ندارد. سپس گفت «بگذار صادقانه بگویم که این شهر و این ایالت برای فردی مثل شما بسیار کوچک است و شایسته است هر چه زودتر این دیار را ترک کنید و برای ادامه تحصیل به خارج از کشور که امکانات پیشرفت برایتان فراهم است، بروید».

در سال ۱۳۴۲ پاسپورتم را که آن موقع باید از تهران صادر می‌شد بالاخره پس از آمد و رفت فراوان بین تهران و خرم‌آباد دریافت کردم و به این‌سان گامی در جهت انجام سفر برداشتم. اقدام بعدی دریافت ویزای امریکا بود که باید از یکی از دانشگاه‌های آن دیار پذیرش داشته باشم. مکاتبات با چند دانشگاه شروع شد که در این میان از دانشگاه یوتا در ایالت یوتا و دانشگاه بالتیمور در ایالت مریلند پذیرش دریافت کردم. از این میان دانشگاه بالتیمور را انتخاب کردم که هم در لحاظ هزینه ارزان بود و هم برنامه دوساله‌ای دروس عمومی از زیست‌شناسی و فیزیک گرفته تا جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و… را شامل می‌شد. مزیت گذراندن این دوره آن بود که پس از آشنایی با رشته‌های مختلف می‌توانستم سرنایم رشته مورد علاقه‌ام را انتخاب کنم.

در سال ۱۳۴۳ توانستم ویزای امریکا را دریافت کنم و در خردادماه همان سال با اتوبوس (تی‌بی‌تی) به آلمان رفتم و از آنجا با قطار عازم لو‌کزامبورگ شدم و از آنجا با هواپیمای به امریکا رفتم. از آنجا یابیز ۱۳۴۳ در دانشگاه بالتیمور ثبت‌نام کردم و چون مشکل زبان نداشتم، ۱۵ واحد برداشتم که آنها را با موفقیت گذراندم. هنگام تحصیل در دانشگاه بالتیمور در میان رشته‌های مختلف بالاخره جامعه‌شناسی را انتخاب کردم. پس از پایان دوران دوساله در سال ۱۳۴۵ (۱۹۶۶) برای ادامه

تحصیل در رشته جامعه‌شناسی به دانشگاه مورگان در همان شهر رفتم و لیسانس در این رشته را در سال ۱۳۴۷ دریافت کردم.

– یعنی از سر اتفاق رشته جامعه‌شناسی را برگزیدید یا اینکه برای تحصیل در این رشته انگیزه و دلیل خاصی داشتید خصوصاً با توجه به اینکه بعدها شما در شاخه انسان‌شناسی به پژوهش پرداختید؟

هنگام تحصیل در دانشگاه مورگان، موقعی که درسی را با عنوان انسان‌شناسی فرهنگی می‌گذراندم استخدام پیشنهاد کرد در همایش سالیانه انجمن ملی انسان‌شناسان امریکا که همان سال (۱۳۴۷) در واشنگتن برگزار می‌شد شرکت کنم. شرکت در آن همایش همیشه سرنوشت علمی من را رقم زد. در آن همایش پروفیسور فرانک هول باستان‌شناس معروف را که سال‌ها در لرستان برای پی بردن به چگونگی آغاز مرحله کشاورزی– دلمداری و دهنشینی در آن دیار حفاری کرده و او را در لرستان می‌شناختم، ملاقات کردم. وی از دیدن من بسیار تعجب کرد و خوشحال شد و در ضمن گفت با او در ارتباط باشم. پس از پایان کنفرانس به یکی از کنایرفروشی‌های واشنگتن رفتم و کتاب Anthropol: The study of man را که کنایی در زمینه انسان‌شناسی عمومی بود، خریدم و پس از مطالعه آن مطمئن شدم که رشته انسان‌شناسی مورد علاقه‌ام است. کارشناس ارشد (فوق‌لیسانس) در این رشته را در دانشگاه مریلند که در نزدیکی واشنگتن قرار دارد در سال ۱۳۵۰ تمام کردم. در سال ۱۳۵۰ برای گذراندن دوره دکترا در همین رشته به دانشگاه رایس در تگزاس که یکی از دانشگاه‌ای معتبر امریکا وهاروارد جنوب تلقی می‌شود، رفتم و در سال ۱۳۵۳ فارغ‌التحصیل شدم.

– آیا می‌توان نتیجه گرفت که تحصیل در حوزه انسان‌شناسی، شما را به سمت تحقیق و پژوهش درباره کوچ‌نشینی در ایران و نگرارش کتاب تأثیرگذار خود در این حوزه کشاند؟
بله در سال ۱۳۵۳ به دعوت دانشگاه پهلوی سابق (شیراز) به ایران برگشتم و در بخش عمران ملی و برنامه‌ریزی که بعداً بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی نامیده شد شروع به کار کردم. پیش از آن به موضوعات تحقیقاتی‌ام اشاره کنم. لازم است این پرسش را مطرح کنم که به‌اصلاً هدف انسان‌شناسی که مردم‌شناسی هم شاخه‌ای از آن است، چیست و چرا انسان‌شناسان فرهنگ‌های جوامع مختلف را بررسی می‌کنند؟ به طور کلی هدف انسان‌شناسی شناخت نوع انسان است. انسان‌شناسی برای این منظور از جهتی به بررسی وضعیت جسمی انسان در گذشته و حال می‌پردازد، زیرا بدون شناخت وضعیت و ساختار بدن انسان نمی‌تواند ویژگی‌هایی را که باعث پیشرفت و تمایز او از دیگر جانداران شده است تشخیص داد. از طرف دیگر با آنکه یک نوع انسان وجود دارد، با این حال راه و روش زندگی یا به‌عبارتی فرهنگ‌های جوامع انسانی بسیار گونه‌گون و گوناگون است. در ایران و دیگر نقاط جهان و مقایسه فرهنگ‌های جوامع مختلف را بررسی و سپس مقایسه می‌کنند تا از این طریق هم فرهنگ هر جامعه را بشناسند و هم قاعده کلی درباره نوع انسان را به دست آورند.

مطالعات اینجانب درباره زندگی کوچ‌نشینی، دهنشینی یا اقوام و جنبه‌های دیگر فرهنگ ایران در این چارچوب صورت گرفته است. برای مثال، مطالعه کوچ‌نشینیان در ایران و دیگر نقاط جهان و مقایسه زندگی آنها با یکدیگر منجر به شناخت این پدیده و تأثیر آن در زندگی افرادی که این شیوه زندگی را دنبال می‌کنند، می‌شود. اما انگیزه دیگر در انجام پژوهش درباره کوچ‌نشینیان همواره نقش مهمی است که در تاریخ ایران ایفا کرده‌اند.

– در حوزه کوچ‌نشینی و سایر جنبه‌هایی که جنابعالی در آن از معدود پژوهشگران و محققان آن هستتید، به نظر می‌رسد یک انگیزه قوی و قدیمی در شما وجود داشته است که این انگیزه بسیار مهم‌تر از تحصیلات و مطالعات گوناگون بوده است. آیا چنین انگیزه‌ای از دوران کودکی در وجود شما نهفته بوده است؟

بهارا این پرسش برایم مطرح شده است که به‌عامل می‌انگیزه‌ای موجب شده است راهی را که پی‌موده‌ام و همواره توام با موفقیت بوده است انتخاب کنم. آنچه می‌توانم بگویم کنجکاوی، شور و شوق و علاقه شدید به آموختن سبب شد این راه را در پیش گیرم. با کسب اطلاعات درباره جوامع پیشرفته از طریق مطالعه، دوستان قلمی در خارج از کشور و خارجیانی که در لرستان با آنها آشنایی شدم، متوجه عقیده‌ام‌دگی لرستان می‌شدم به طوری که فاصله‌ای بین نگرش و جهان‌بینی من با وضعیت جامعه لرستان ایجاد شده بود به طوری که احساس می‌کردم چند قسمی از جامعه جلوتر بودم. به این سان انتظارات و توقعات من به‌هیچ‌روی در شرایط جامعه لرستان در آن زمان برآورده نمی‌شد. از این رو از همان دوران دانش‌آموزی در دبیرستان تصمیم راسخ گرفته بودم که برای ادامه تحصیل به امریکا بروم. امریکایی‌ها پس از پیروزی در جنگ جهانی دوم و مخصوصاً حمایت از ایران در راندن روس‌ها و از آذربایجان در سال ۱۳۲۵

از محبوبیت در بین مردم ایران و لرستانی‌ها برخوردار شده بودند. به هر حال کنجکاوی من باعث شد در دوران دبیرستان، تعدادی دوست قلمی در نقاط جهان متفاوت است، از این رو انسان‌شناسی جنبه‌های مختلف فرهنگ‌های جوامع مختلف را بررسی و سپس مقایسه می‌کنند تا از این طریق هم فرهنگ هر جامعه را بشناسند و هم قاعده کلی درباره نوع انسان را به دست آورند. مطالعات اینجانب درباره زندگی کوچ‌نشینی، دهنشینی یا اقوام و جنبه‌های دیگر فرهنگ ایران در این چارچوب صورت گرفته است. برای مثال، مطالعه کوچ‌نشینیان در ایران و دیگر نقاط جهان و مقایسه زندگی آنها با یکدیگر منجر به شناخت این پدیده و تأثیر آن در زندگی افرادی که این شیوه زندگی را دنبال می‌کنند، می‌شود. اما انگیزه دیگر در انجام پژوهش درباره کوچ‌نشینیان همواره نقش مهمی است که در تاریخ ایران ایفا کرده‌اند.

– در حوزه کوچ‌نشینی و سایر جنبه‌هایی که جنابعالی در آن از معدود پژوهشگران و محققان آن هستتید، به نظر می‌رسد یک انگیزه قوی و قدیمی در شما وجود داشته است که این انگیزه بسیار مهم‌تر از تحصیلات و مطالعات گوناگون بوده است. آیا چنین انگیزه‌ای از دوران کودکی در وجود شما نهفته بوده است؟

بهارا این پرسش برایم مطرح شده است که به‌عامل می‌انگیزه‌ای موجب شده است راهی را که پی‌موده‌ام و همواره توام با موفقیت بوده است انتخاب کنم. آنچه می‌توانم بگویم کنجکاوی، شور و شوق و علاقه شدید به آموختن سبب شد این راه را در پیش گیرم. با کسب اطلاعات درباره جوامع پیشرفته از طریق مطالعه، دوستان قلمی در خارج از کشور و خارجیانی که در لرستان با آنها آشنایی شدم، متوجه عقیده‌ام‌دگی لرستان می‌شدم به طوری که فاصله‌ای بین نگرش و جهان‌بینی من با وضعیت جامعه لرستان ایجاد شده بود به طوری که احساس می‌کردم چند قسمی از جامعه جلوتر بودم. به این سان انتظارات و توقعات من به‌هیچ‌روی در شرایط جامعه لرستان در آن زمان برآورده نمی‌شد. از این رو از همان دوران دانش‌آموزی در دبیرستان تصمیم راسخ گرفته بودم که برای ادامه تحصیل به امریکا بروم. امریکایی‌ها پس از پیروزی در جنگ جهانی دوم و مخصوصاً حمایت از ایران در راندن روس‌ها و از آذربایجان در سال ۱۳۲۵

• شاید نام دکتر سکندر امان‌اللهی‌بهاروند نامی شناخته‌شده برای ایرانیان و حتی برخی محققان و پژوهشگران عرصه تحولات اجتماعی نباشد اما در مقام علمی استاد همین بس که وی استاد ارشد دانشگاه هاروارد بوده و هم‌زمان و به دلیل عشق فراوانش به خانه پدری، تربیت شاگردان و محققان ایرانی را نیز فراموش نکرده و همچنان نیز به این کار خود ادامه می‌دهد. امان‌اللهی‌بهاروند از معدود استادان ایرانی است که هم‌زمان در حوزه‌هایی چون انسان‌شناسی فرهنگی، تاریخ، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ایران‌شناسی کار کرده است و ضمن تالیفات گوناگون، پژوهش‌های معتبر و منحصر به فردی را نیز از خود بر جا گذاشته است. در کنار تمام اینها، شخصیت استاد هم مثال‌زدنی است و این را می‌توان از مثال‌هایی که شاگردانش درباره او بر زبان می‌آوردند به خوبی مشاهده کرد. فروتنی، امید به آینده و اعطای حس بزرگ‌منشی به شاگردان و اطرافیان را می‌توان از مهم‌ترین خصایص استاد دانست و افسوس خورد که چرا وی به جای ایران در هاروارد و سایر دانشگاه‌های خارجی تدریس می‌کند.



که هر دو در مرتبه استادیاری قرار داشتند و نباید در آن منصب قرار می‌گرفتند، اینجانب را به‌طور غیرقانونی بازنشسته کردند.

قضیه به دیوان عدالت اداری کشید و سرانجام این دیوان در دی‌ماه ۱۳۸۶ اقدام مدیریت دانشگاه را غیرقانونی اعلام و دستور لغو حکم بازنشستگی را صادر کرد. اما متأسفانه مدیریت دانشگاه تا این لحظه حکم دیوان عدالت اداری را که قطعی و لازم‌الاجراست نپذیرفته می‌گیرد. چنین وضعی باعث شده شروع به نوشتن کتابی با عنوان «زنجنامه استاد» کنم تا از این راه از قانون‌شکنی برخی از افراد که در طول سالیان تجربه کرده، پرده بردارم تا جامعه و آیندگان بداندند که بر من و ما چه گذشت!

– به عنوان ایران‌شناسی که سال‌ها در این حوزه به تحقیق و پژوهش مشغول بوده‌اید، امروزه دیدگاه جهانیان را به ایران و ایران و ایرانی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا ایران آن‌گونه که از تاریخش پیداست، نزد مردمان جهان جایگاه دارد؟
ایران آن‌گونه که شایسته است هنوز جایگاه شامخ خود را در بین کشورهای جهان باز نیافته است. مسائل پیچیده‌بین‌المللی و دخالت بعضی از قدرت‌های خارجی از یک سو و اوضاع کلی داخلی ایران از دیگر سو باعث شده ایران آن طور که باید و شاید به جایگاهی که مستحق آن است، نرسد.

– به عنوان یک انسان‌شناس، فلسفه زندگی انسان‌ها را چه می‌دانید؟ آیا فکر می‌کنید انسان به واقع در زندگی و با تکیه بر توانایی‌هایش می‌تواند به آرزوها و آملش در زندگی دست یابد؟
از نظر فلسفی این پرسش‌ها مطرح است که چرا، چگونه و از کجا آمده‌ایم و سرنایم به کجا خواهیم رفت. من به این‌گونه پرسش‌ها نمی‌پردازم، اما در عوض هدف از زندگی را آن طوری که می‌پندارم یا شما درمیان می‌گذارم. به نظر من اولاً انسان می‌تواند با توکل به خدا، با قلبی پر از امید و با اعتماد به نفس و اینکه از توانمندی‌های فراوانی برخوردار است در جهت پیشرفت و خیررسانی به همنوعان گام بردارد. شعار من در زندگی همیشه این بوده است: توان من نهان است، نهان و بی‌کران است.

• دکتر حمید احمدی



امان‌اللهی بهاروند و جامعه‌شناسی تاریخی

موضوع جامعه‌شناسی تاریخی به عنوان روش و معرفت‌شناسی در مطالعات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و به طور کلی در علوم اجتماعی ایران از جایگاه چندانی برخوردار نبوده است. یکی از مهم‌ترین علت‌های این امر توجه پژوهشگران ایران به دستگاه‌های نظری و تبیینی از قبل ارائه‌شده‌ای است که در مکتب‌های چپ مارکسیستی و مکتب‌های غربی نوعی نوسازی رواج داشته و بخش مهمی از مطالعات علوم اجتماعی جهان در حال توسعه یا توسعه‌یافته را به خود مجذوب کرده است. مطالعات مربوط به گروه‌های انسانی چون ایلات و عشایر و سپس گروه‌های قومی در ایران یکی از نمادهای این‌گونه پژوهش‌هاست که در آن دستگاه‌های نظری شناخته‌شده بیش از مشاهدات میدانی و داده‌های برآمده از آن برای پژوهشگران اولویت داشته است. با این همه مطالعات دارای نقد جامعه‌شناسی تاریخی در این زمینه‌ها در آثار برخی پژوهشگران ایرانی به طور آشکار دیده می‌شود.

تا آنجا که بحث مطالعات گروه‌های انسانی و اجتماعی نظیر قبایل و عشایر و گروه‌های قومی در میان است، دکتر سکندر امان‌اللهی‌بهاروند را می‌توان از برجسته‌ترین نمونه‌های جامعه‌شناسان تاریخی در ایران به مفهوم عام آن دانست. گرچه دکتر بهاروند مطالعات خود را از ابعاد انسان‌شناسی انجام داده اما از آنجا که روش به‌کاررفته از سوی او و نیز نوع معرفت‌شناسی آثار او با جامعه‌شناسی تاریخی همسانی آشکار دارد، می‌توان او را نمونه بارز پژوهشگران برخوردار از روش‌شناسی و معرفت‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخی عنوان کرد. آنچه در مطالعات بهاروند به چشم می‌خورد نگاه دقیق به ویژگی‌های خاص تاریخی گروه‌های انسانی همچون عشایر و گروه‌های قومی است. از جمله آنها می‌توان به «کوچ‌نشینی در ایران پژوهشی درباره عشایر و ایلات» و «قوم لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی لر‌ها در ایران» اشاره کرد. امان‌اللهی در این آثار ارزشمند بیشتر از روش استقرایی و مشاهدات نزدیک زندگی عشایر کوچ‌نشین و نیز مطالعه جز، به جزء داده‌ها و اسناد تاریخی درباره لر‌ها بهره‌گیری کرده است. او با وجود آشنایی دقیق با نظریه‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی مربوط به عشایر و قبایل و گروه‌های قومی، از به کارگیری نظریه‌های عام غیرتاریخی و غیرمرتبط با جامعه ایران پرهیز کرده و دیدگاه‌های خود را بر مشاهدات میدانی و اسنادی و به عبارتی توجه به مساله مهم زمان و مکان در مطالعات اجتماعی استوار ساخته است. به همین دلیل است که نوشته‌های بهاروند را می‌توان به لحاظ اعتبار علمی و نظری در سطح بسیار بالاتری از پژوهش‌های رایج آمیخته با نگاه‌های جهلشمول نظری یا دیدگاه‌های آمیخته به ایدئولوژی‌های سیاسی معاصر قرار داد.

بهاروند در ترجمه‌های خود نیز از همین روش بهره گرفته و آثاری را به زبان فارسی ترجمه کرده است که به دانش موجود جامعه‌شناسی تاریخی کمک می‌کند. ترجمه اثر هول فرانک درباره لرستان پیش از تاریخ و نیز ترجمه سرفرنس سر هنری راولینسون درباره مناطق غرب و جنوب ایران در همین راستا و با هدف فراهم ساختن داده‌های تاریخی لازم برای پژوهشگران جهت فهم درست پویایی‌های تاریخی و اجتماعی عشایر و اقوام ایرانی صورت گرفت. آثار بهاروند منابع معتبری است که می‌تواند برای نسل جدید پژوهشگران علوم اجتماعی ایران اعم از انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی بسیار سودمند بوده و آنها را در انجام پژوهش‌های بعدی در این باره رهنمون سازد. بدون شک دکتر سکندر امان‌اللهی‌بهاروند را می‌توان در زمره پیشگامان کاربرد جامعه‌شناسی تاریخی در آن به‌شمار آورد.

•استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

•آهسان موشمند



استاد و پژوهش‌های منحصر به فرد

علوم اجتماعی یکی از شاخه‌های نسبتاً جوان علوم انسانی است که در یک و نیم سده اخیر جایگاه درخوری در محافل دانشگاهی و حوزه عمومی یافته است. کم‌اینکه بیش از چند دهه از آشنایی ایرانیان با علوم اجتماعی جدید نمی‌گذرد، اما در این چند دهه ورود علوم اجتماعی به ایران، دهها گروه، دانشکده و دانشگاه در تهران و به تدریج در سایر نقاط کشور تأسیس و عهدهدار آموزش علوم اجتماعی در ایران شده و به تربیت دانشجویان رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی همچون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جمعیت‌شناسی و… پرداختند. امروزه حضور هزاران فارغ‌التحصیل علوم اجتماعی در کشور نتیجه آموزش‌های دانشگاهی این تلاش است. اما با این رشد کمی قابل قبول از نظر کیفی و آموزشی این علوم با مسائل زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. محدودیت‌های گوناگونی دامن علوم اجتماعی کشور را فرا گرفته و تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی کشور نیز بر کیفیت آموزش و پژوهش این رشته‌ها تأثیرات غیرقابل انکاری بر جا گذاشته و می‌گذارد. به همین دلیل و سایر دلایل به جز چند ستاره، علوم اجتماعی در کشور نتوانسته از موضع ابتکار، نوآوری و تولید‌کنندگی با پدیده‌ها و مسائل اجتماعی ایران مواجه شود و بی‌گمان یکی از این ستاره‌های کارآمد علوم اجتماعی ایران به ویژه انسان‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی تاریخی و ایران‌شناسی دکتر سکندر امان‌اللهی‌بهاروند است.

دکتر امان‌اللهی استاد انسان‌شناسی فرهنگی دانشگاه شیراز فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های امریکاست و تجربه سال‌ها تدریس در دانشگاه شیراز، هاروارد امریکا، چند دانشگاه در اروپا و ژاپن را در کارنامه خود دارد. تجربه آموزش و سپس تدریس در بهترین دانشگاه‌های دنیا در کنار تجارب پژوهشی دکتر امان‌اللهی در ایران و در دانشگاه‌های سایر کشورها و همکاری با انسان‌شناسان و ایران‌شناسان بزرگی همچون ریچارد فرای، بیل گراهام، گود و خانم مورتن سن و دیگر صاحب‌نامان این رشته‌ها موجب شده دکتر امان‌اللهی با روشی مختص به خود با مسائل تاریخی و اجتماعی ایران رودررو شود. تسلط گسترده بر تاریخ ایران در دوره‌های باستان، میانه و معاصر، آشنایی عمیق با زبان‌شناسی به همراه پژوهش‌های جدی و منحصر به فرد درباره عشایر و کوچ‌نشینی در ایران که محصل تجارب تحقیق میدانی چندده‌ساله اوست دکتر امان‌اللهی را در میان اساتید و پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی به نامی آشنا مبدل کرده است. مطالعات وی درباره کوچ‌نشینی در ایران و نیز ایل لر یکی از مهم‌ترین تحقیقات انسان‌شناسی و قوم‌شناسی است که موجب آشنایی دقیق و چندجانبه مخاطب با این شیوه معیشت و زندگی در کشور می‌شود. رویکرد تاریخی و میدانی دکتر امان‌اللهی در بررسی‌ها و پژوهش‌ها به جای تأکید صرف بر استفاده از نظریه‌های موجود، که عموماً برآمده از تجارب پژوهشی مربوط به جوامع دیگر است، منجر به تاریکی، واقع‌بینی و دقت زایدالوصفی در آتارش شده است و همین ویژگی موجب اشتها ر دکتر امان‌اللهی در محافل آکادمیک داخل و خارج از کشور شده است. سال‌ها تدریس در مهم‌ترین مراکز پژوهشی و علمی دنیا همچون دانشگاه هاروارد نتیجه این تیزبینی و دقت علمی است. امروزه نام دکتر امان‌اللهی در مطالعات ایلات و عشایر ایران چه در داخل کشور و چه در مهم‌ترین مراکز علمی جهان به عنوان پژوهشگر صاحب نظر کاملاً برجسته و شناخته‌شده است. شاید کمتر محققی در ایران یافت شود که چون دکتر امان‌اللهی با حضور در سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران تا کردستان در شمال غربی کشور، مقایسه به مطالعه و تتبع پرداخته باشد و به تنهایی با یک کیسه خواب و چادر انفرادی شب‌های زیادی را در دل طبیعت این مناطق به صبح رسانده باشد و رنج‌های پیش رو را برای دستیابی به نتایج علمی به جان خریده باشد. این هم جدیت و هم جست‌وجوگری است که موجب می‌شود دانشگاه هاروارد در نامه‌ای بازنگشت دکتر امان‌اللهی به آن دانشگاه را برای تدریس مایه «فتخار و خوشحالی» بدارد. در کنار این ویژگی‌های علمی و پژوهشی می‌توان به ابعاد دیگری از فعالیت‌ها و ویژگی‌های دکتر امان‌اللهی‌بهاروند نیز اشاره‌ای داشت. یکی از بارزترین این صفات و ویژگی‌ها، عشق عمیق دکتر امان‌اللهی به ایران و ایرانی است. اگر کمتر محقق انسان‌شناسی در کشور بسان و ی توانسته بخش‌بخش سرزمین ایران را با هر وسیله و حتی‌الحاق با پای پیاده طی کند و به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌ها و رفع ابهام‌های علمی و نظری راه را بر توقف برگزیدن این تنها از روحیه پژوهشگری و علم‌خواهی نیست بلکه نتیجه عشق و علاقه یح‌د و محرم دکتر امان‌اللهی به ایران و شناخت ایران است که موجب می‌شود سبکیال گوشه‌گوشه ایران را بکاود و برای یافتن پاسخ پرسش‌ها کوه و بیابان یا ایل و روستا و شهرها و نقاط مختلف کشور را شبانه‌روز بکند.

ادامه در صفحه ۱۴